

دست روی دست، دست زیر دست

□ اشرف کریمی*، دکتری تخصصی برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

نوع مقاله: مروری • صفحات ۶۱ - ۶۴

چکیده

هنگام آموزش دانش‌آموزان نابینا چاره‌ای جز تماس با دست‌های آنان برای راهنمایی‌شان یا نشان دادن فعالیت به آنها نداریم. رفتار غالب معلمان این است که با گذاشتن دست‌های خود روی دست‌های دانش‌آموزان آنان را به سوی فعالیت هدایت کنند. این رفتار را روش «دست روی دست» می‌نامند که محدودکننده است. این مقاله که با استفاده از تجربیات زیسته‌ی نگارنده در فرصت مطالعاتی و دو مقاله‌ی^۱ دیگر در این حوزه نگاشته شده است، به بازشناسی روش دست روی دست و معرفی روش دست زیر دست به عنوان جایگزین مناسب‌تر آن پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: کودکان و دانش‌آموزان با آسیب بینایی، دست روی دست، دست زیر دست، خودتصمیم‌گیری، درماندگی آموخته شده

بیان مسأله

وقتی فردی نتواند ببیند یا بینایی خیلی محدودی داشته باشد، برای شناخت آنچه دور و برش هست باید همه چیز را با دست‌هایش لمس کند. تصور کنیم اگر به جای افراد نابینا بودیم، ترجیح می‌دادیم پدر و مادر، آموزگار یا دیگران چگونه با ما تماس برقرار کنند؟ احتمالاً احساس خوبی نداشتیم که افراد دور و برمان برای آشنا کردن ما با هر چیزی، دست‌هایمان را کنترل کنند. کنترل کردن دست‌های فرد نابینا یعنی روش دست روی دست^۲ که نه تنها کمک زیادی به فرد نابینا نمی‌کند بلکه کار کشف کردن محیط اطراف را هم برایش سخت‌تر

می‌کند. استفاده معلم از این روش ممکن است این پیام را به دانش‌آموز بدهد که دست‌هایش ارزشی ندارند و هیچوقت درک نکنند که چه کارهایی را می‌تواند با آنها انجام دهد. وقتی دیگران دست‌های فرد نابینا را کنترل می‌کنند حتی ممکن است کم‌کم این احساس را در او ایجاد کنند که انگار دست‌ها مال او نیستند و به دیگران تعلق دارند.

در مقابل روش دست روی دست و کنترل دست‌های دانش‌آموز نابینا، روش دیگری وجود دارد که با استفاده از آن می‌توان دست‌های دانش‌آموز را بدون اجبار، به کشف کردن سوق داد. این راهبرد دوم، روش دست زیر دست^۳ نام دارد و نزدیک به چهار دهه است که در کار آموزش و پرورش کودکان

* Email: karimi.ashraf@gmail.com

۱. نویسنده‌ی یکی از این دو مقاله، خانم باربارا مایلز مبدع راهبرد آموزشی دست زیر دست است. او حدود چهار دهه به آموزش دانش‌آموزان ناشنوا- نابینا مشغول بوده است. مقاله دوم، نوشته‌ی خانم آن واکر رئیس سازمان ملی والدین کودکان نابینا است که خود یک فرزند نابینا دارد.

2. Hand Over Hand

3. Hand Under Hand

روش دست روی دست

راهبرد دست روی دست یکی از شکل های تماس فردی یا فیزیکی با کودک با آسیب بینایی است و به منظور نشان دادن^۴، آموزش دادن^۵ و یا حفاظت کردن^۶ از او به کار می رود. در این روش، دست هایمان را بر روی دست های کودک می گذاریم. در واقع این دست های کودک است که با شئی تماس دارد و دست های ما دست های او را هدایت می کند تا فعالیتی را انجام دهد. وقتی متوجه شویم خود کودک می تواند بخش هایی از فعالیت را انجام دهد، حمایت دست هایمان را کم می کنیم. به این صورت که دست هایمان را عقب می کشیم یا آنها را بر روی مچ یا ساعد کودک حائل می کنیم تا در صورت لزوم، حمایت را ارائه دهیم.

اگر به فعالیت هایی که تاکنون به عنوان آموزگار کودکان با آسیب بینایی انجام داده ایم، دقت کنیم، متوجه خواهیم شد که در کلاس تقریباً همیشه از روش دست روی دست، تماس فیزیکی و حمایت زیاد استفاده کرده ایم. اما به طور معمول بهتر است پیش از حمایت از کودک با آسیب بینایی و استفاده از این روش از خود پرسیم که آیا چنین حمایتی لازم و مناسب با سطح توانایی کودک است یا نه؟ و مهم تر آنکه، حمایت ما از کودک به شکلی باشد که او حق انتخاب داشته باشد و بتواند حمایت را بپذیرد یا نپذیرد.

روش دست زیر دست

برای کمک کردن به کودک با آسیب بینایی برای کشف کردن چیزی، یاد گرفتن مهارتی یا درک کردن مفهومی می توان از روش دست زیر دست نیز استفاده کرد. در این روش، مربی در پشت سر دانش آموز، کنار دانش آموز یا روبه روی او قرار می گیرد. سپس در حالی که هر دو دست کودک، بر روی دست ها یا انگشت های معلم تکیه دارند، دست های معلم فعالیتی را انجام می دهند که کودک می تواند آنها را حس کند. مربی در حین انجام دادن فعالیت مورد نظر با دست هایش، به کودک توضیح می دهد که در حال انجام چه کاری است. در موقعیتی که کودک خودش بخواهد شئی ناشناخته ای را لمس کند، روش دست زیر دست احساس ایمنی بیشتری به او

با آسیب بینایی به کار می رود. در استفاده از راهبردهای فوق باید نوعی تماس فیزیکی با دانش آموز یا کودک داشته باشیم. پس ابتدا به بازشناسی تماس فردی یا فیزیکی^۱ با دانش آموز دارای آسیب بینایی می پردازیم.

یکی از تفاوت های بارز در آموزش و پرورش کودکان با آسیب بینایی در مقایسه با آموزش و پرورش کودکان بینا، میزان تماس فیزیکی بیشتر با آنان چه در خانه و چه در مدرسه است. اگر کودک علاوه بر آسیب بینایی، ناتوانی های دیگری هم داشته باشد، آن گاه میزان تماس فیزیکی بیشتر هم خواهد شد. برای مثال، کودکی که عضلات ضعیف یا محدودیت های جسمانی دارد، ممکن است برای نشستن، رسیدن به اسباب بازی یا انجام دادن سایر فعالیت های بدنی به حمایت بیشتری نیاز داشته باشد. اگرچه در چنین موقعیت هایی ممکن است تماس فیزیکی با دانش آموز باعث مشارکت بیشتر او در فعالیت های خانه و مدرسه شود اما استفاده زیاد از آن هم مشکلاتی ایجاد می کند که یکی از آنها فقدان رشد خودتصمیم گیری^۲ در کودک است.

وقتی کسی بدن کودک را بدون اینکه به او اعلام کند، حرکت می دهد، کودک دو انتخاب بیشتر ندارد: یا مقاومت کند، یا منفعلانه بپذیرد. انتخاب اول عقلانی تر است زیرا: اگر کسی مرا با یا بدون اطلاع بگیرد و سعی کند بخشی از بدن مرا حرکت بدهد، مقاومت می کنم. من یک فرد مستقل هستم و انتظار دارم دیگران به بدن من و حق من بر کنترل آن احترام بگذارند. انتخاب دوم برای کودکی که توسط معلم یا شخص دیگری حرکت داده می شود، این است که آن را منفعلانه بپذیرد و این همان درماندگی آموخته شده^۳ است. وقتی کودکی به این صورت پاسخ می دهد، یعنی باور ندارد که می تواند بین امتناع کردن از انجام یک فعالیت و یا درگیر شدن در آن فعالیت، یکی را انتخاب کند. گرچه شاید چنین حالت انفعالی در کودکان، کار آموزش را برای مربی آسان تر کند، اما بالقوه برای کودک خطرناک است. معلم در کوتاه مدت کاری را کامل می کند ولی کودک چیزی نیاموخته است و در فرآیند آموزش فقط شرکت کننده ی منفعلی بوده است. اما چنین انفعالی در درازمدت ممکن است منجر به سوء استفاده از کودک هم بشود، چرا که نسبت به آزار دیدن، احساس ناتوانی می کند.

1. Person-to-Person Contact

2. Self-Determination

3. Learned Helplessness

4. demonstration

5. teaching

6. Protection

خردسال است، می‌توانیم او را روی پای خود بنشانیم ولی اگر بزرگتر است پشت سر او یا کنار او می‌نشینیم و دست‌هایمان را حائل دست‌های او قرار می‌دهیم.

■ قبل از آنکه به کودک نشان بدهیم چگونه کاری را انجام بدهد، بهتر است خودمان با چشم‌های بسته همان کار را انجام بدهیم و سعی کنیم به گام‌هایی که برای انجام آن کار طی می‌کنیم، توجه کنیم. سپس نکات لازم را به کودک بگوییم. برای مثال، اگر قرار است کودک بستن دکمه‌های لباسش را بیاموزد، به او بگوییم که سوراخ دکمه‌ها نزدیک لبه لباس هستند.

■ بیشتر کودکان نیاز دارند، فعالیت جدید را چند بار نشانشان بدهیم تا یاد بگیرند. چون کودک با آسیب بینایی نمی‌تواند دیگران را هنگام انجام کار ببیند، و تنها آنچه را که با روش دست زیر دست یا روش دست روی دست حس می‌کند، دریافت می‌کند. پس صبور باشیم و فرصت‌های زیادی را برای تمرین هر مهارت جدید برای او ایجاد کنیم.

■ بعضی کودکان در برابر امتحان کردن فعالیت‌های تازه مقاومت می‌کنند. برای مثال، ممکن است دست‌هایشان را عقب بکشند و نخواهند چیزی را لمس کنند. سعی کنیم به پیامی که کودک می‌دهد، توجه کنیم. البته این را هم در نظر داشته باشیم که اگر کودک تشویق نشود تا چیزهای تازه را امتحان کند، درک او نسبت به جهان اطراف و علاقه‌اش به محیط دور و بر گسترش نمی‌یابد.

رویکردی تازه

به‌عنوان معلم کودکان و دانش‌آموزان با نیازهای ویژه تا قبل از آشنا شدن با راهبردهای مختلف در برقراری تماس با دانش‌آموزان نابینا، تنها از روش دست روی دست استفاده می‌کردم. از پنج سال قبل، متوجه شدم که کاربرد این روش علاوه بر محدود کردن یادگیری مؤثر، کودک یا دانش‌آموز آسیب دیده بینایی را در فرآیند یادگیری در حد یک شرکت‌کننده‌ی منفعل تنزل می‌دهد. همه‌ی ما وقتی بهتر یاد می‌گیریم که بتوانیم حرکاتی را که اتفاق می‌افتند زیر انگشتانمان حس کنیم. اما روش دست روی دست به کودک اجازه نمی‌دهد تا حرکات لازم برای انجام یک تکلیف را درک کند. روش دست

می‌دهد و کودک هر وقت بخواهد می‌تواند دست‌هایش را از روی دست‌های مربی بردارد. همچنین در صورتی که فعالیتی برای کودک جدید باشد به نحوی که کودک از امتحان کردن آن تردید یا ترس داشته باشد، با تکیه دادن کف دست‌هایش بر پشت دست‌های مربی، می‌تواند انرژی خود را بر نوع حرکات دست‌های مربی متمرکز کند. در مجموع ویژگی‌های روش دست زیر دست عبارت‌اند از:

■ روش دست زیر دست با یک دعوت^۱ از سوی مربی آغاز می‌شود.

■ دست‌های کودک با آسیب بینایی روی دست‌های مربی قرار می‌گیرد.

■ مربی با حرکات دستش، دست‌های کودک را دعوت به همراهی می‌کند.

■ مربی در کنار، روبه‌روی یا پشت سر دانش‌آموز قرار می‌گیرد.

■ کودک بر دست‌های خودش کنترل دارد.

■ مهارت خودتصمیم‌گیری در کودک تقویت می‌شود.

■ کودک با علاقه و دقت بیشتری به مربی توجه می‌کند.

■ با کاربرد این روش دانش‌آموز هم می‌تواند ببیند و هم می‌تواند به حرف‌های مربی گوش کند.

■ کودک یاد می‌گیرد که افراد دیگر به چه شکل‌هایی از دست‌هایشان استفاده می‌کنند و می‌تواند الگوها را تقلید کند.

■ کودک به‌طور مستقل کشف می‌کند.

■ کودک درگیر یادگیری فعال^۲ می‌شود.

اصول کلی

■ چه روش دست زیر دست و چه روش دست روی دست را به‌کار ببریم، باید به یاد داشته باشیم گام نخست و مهم این است که بگذاریم کودک شئی را خودش به‌طور مستقل کشف کند و یاد بگیرد. زیرا در غیر این صورت کودک به یادگیرنده‌ای منفعل تبدیل خواهد شد. یادگیرنده‌ی منفعل کمتر یاد می‌گیرد و از فرآیند یادگیری لذت کمتری می‌برد.

■ هنگام استفاده از روش دست زیر دست یا روش دست روی دست باید در موقعیتی قرار بگیریم که دست‌های ما و دست‌های کودک با هم در یک جهت حرکت کنند. اگر کودک

۱. این دعوت، یک اشاره‌ی لمسی است که مربی دست‌هایش را به آرامی زیر دست‌های دانش‌آموز و در تماس با کف دست و انگشتان او قرار می‌دهد.

2. Active Learning

روش دست زیر دست میزان حمایت را به راحتی کم می کند. وقتی از این روش برای تشویق کودک به اکتشاف لمسی استفاده کنیم، می توانیم به آرامی دست خود را از زیر دست او بیرون بکشیم و بگذاریم خودش بیشتر و بیشتر لمس و اکتشاف کند. به این ترتیب کودک مسئولیت بیشتری در فرآیند یادگیری پیدا خواهد کرد.

دانش آموزی که با روش دست زیر دست کمک دریافت می کند، شرکت کننده ی فعال تری در فرآیند یادگیری است، بیشتر برای دستیابی تلاش می کند، کمتر منفعل است یا اصلاً منفعل نیست. چنین دانش آموزی ممکن است مدت بیشتری طول بکشد تا کاری را انجام بدهد، یا کاری که انجام داده است به اندازه ی وقتی که با روش دست روی دست کمک می گرفت، کامل نباشد اما بالاخره خود اوست که کار را انجام داده است.

فعالیت را با دانش آموز به طور کلامی مرور کنید. از آیم ها با جنس های خاصی که ممکن است دانش آموز آنها را دوست نداشته باشد (برای مثال اسفنج خیس یا کرم) استفاده نکنید.

به فردیت دانش آموز احترام بگذارید. بگذارید مخالفت کند و «نه» بگوید. البته این مخالفت پیامدهایی دارد ولی هر کسی حق نه گفتن دارد. همه ی دانش آموزان نیاز دارند، احساس ارزشمندی کنند. بگذارید مالک تکلیف باشند. تغییر عادت ها و نگرش ها آسان نیست اما تلاش برای آن بسیار با ارزش است.

روی دست نیازمند آن است که دست بزرگسال، دست کودک را حرکت دهد. به عبارت دیگر، دست کودک توسط بزرگسال کنترل می شود نه اینکه کودک خودش دستش را کنترل کند. وقتی این روش استفاده شود، کودک نیاز به زمان بیشتری برای یادگیری تکلیف دارد.

بعلاوه، روش دست روی دست محیطی را ایجاد می کند که کودک و بزرگسال برای کنترل بیشتر با هم مقابله کنند. وقتی بزرگسال دستش را روی دست کودک می گذارد، کودک یا باید مقاومت کند یا منفعلانه فعالیت مورد درخواست را بپذیرد. افراد بزرگسال که به شکل آمرانه و با قدرت بیشتری روش دست روی دست را به کار می برند، به طور معمول پذیرای مقاومت و مخالفت یادگیرنده نیستند. کودکی که مقاومت می کند مورد سرزنش و بد رفتاری و تنبیه قرار می گیرد و کودکی که مقاومت نمی کند، امکان رفتن به پله دیگری از درماندگی آموخته شده را دارد!

برای اینکه به کودکانمان به شکلی اثربخش تر آموزش دهیم، انتخاب دیگری نیاز داریم که استفاده از روش دست زیر دست است. این روش به خصوص در آموزش و پرورش کودکان و دانش آموزان نابینا و ناشنوا-نابینا در حال توسعه است. در روش دست زیر دست، دست فرد بزرگسال یک فعالیت را در حالی انجام می دهد که دست کودک روی دست اوست و کودک می تواند حرکات دست بزرگسال را حس کند. فرد بزرگسال فعالیت را اگرچه ممکن است کمی آرام تر، ولی به طور طبیعی انجام می دهد و آنچه را اتفاق می افتد به طور کلامی توصیف می کند. این روش به کودک اجازه می دهد با حس کردن حرکات لازم برای انجام یک تکلیف، آن حرکات را برای خودش تقلید کند. کودک حق انتخاب دارد و می تواند از این حق استفاده کند، کودکی هم که مقاومت می کند به آسانی می تواند از تکلیف عقب بکشد. فرد بزرگسال هم می تواند به احساسات کودک پاسخ دهد، درست مثل وقتی که کودکی از پوشیدن دستکش یا گذاشتن کلاه بر روی سرش امتناع می کند.

بعضی وقت ها کودک می خواهد در فعالیتی شرکت کند اما در کنترل حرکات ماهیچه هایش مشکل دارد یا به سادگی از فعالیت دور می شود. ایجاد محدودیت کوچکی مثل حلقه کردن انگشت شست روی دست کودک یا حائل کردن دست به طوری که دست کودک زیاد از محدوده فعالیت خارج نشود، می تواند مفید باشد.

References

1. bara Miles B. Talk ing the Lan guage of the Hands to the Hands. The National Information Clearing House on Children who are DeafBlind. Monmouth, Oregon. 2003.
2. Cook W, C.A. Hands on? Hands off! National Federation of the Blind. 2015.